

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

علی بن موسی (ع)، امامِ رضا

مرضیہ محمدزادہ

www.ketab.ir

علی بن موسی علیه السلام امام رضا

مولف: دکتر مرضیه محمدزاده

انتشارات دلیل ما

چاپ ششم: تابستان ۱۳۹۳

تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

لینوگرافی: پرتو شمس

چاپ: نگارش

شابک: ۹۷۸ - ۹۶۴ - ۳۹۷ - ۱۸۵ - ۴

تلفن و نمابر: ۳۷۷۴۴۹۸۸ - ۳۷۷۳۳۴۱۳ (+۹۸۲۵)

آدرس: قم، خیابان معلم، مجتمع ناشران

طبقه ششم، واحد ۶۱۲ و ۶۱۳

www.Dalilema.ir

Dalilema@yahoo.com

انتشارات دلیل ما

مراکز پخش:

۱) قم، خ معلم، مجتمع ناشران، طبقه همکف، واحد ۹، تلفن: (۱۰ خط) ۳۷۸۴۲۴۶۶

۲) قم، خ صفائیه، روبروی کوچه ۴۸، پلاک ۷۵۹، فروشگاه دلیل ما، تلفن ۳۷۷۳۷۰۰۱ - ۳۷۷۳۷۰۱۱

۳) تهران، خ انقلاب، خ فخرآزی، فروشگاه دلیل ما، پلاک ۶۱، تلفن ۶۶۴۶۴۱۴۱

۴) مشهد، چهارراه شهداء، ضلع شمالی باغ نادری، کوچه شهید خوراکیان،

مجتمع تجاری گنجینه کتاب، طبقه اول، فروشگاه دلیل ما، تلفن ۵ - ۲۲۳۷۱۱۳

محمد زاده، مرضیه

علی بن موسی (ع)، امام رضا / مرضیه محمدزاده. - قم: دلیل ما، ۱۳۸۵.

۸۴۰ ص.

ISBN 978 - 964 - 397 - 185 - 4

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.

کتابنامه ص. ۷۲۴ - ۷۳۸.

۱. علی بن موسی (ع)، امام هشتم، ۱۵۳؟ - ۲۰۳ ق. الف. عنوان.

۲۹۷ / ۹۵۷

ع ۳ م ۴۷ / DS

کتابخانه ملی ایران

۳۷۱۴۴ - ۸۴ م

## فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۹	مقدمه استاد .....
۱۳	مقدمه نویسنده .....
	<b>فصل اول : نگاهی به حکومت امویان و پیدایش عباسیان</b>
۲۳	نگاهی گذرا به حکومت امویان .....
۲۶	شکل گیری نهضت عباسیان .....
۳۰	اندیشه مهدویت در شکل گیری و تقابل با حکومت عباسیان .....
۳۲	کیسانیه .....
۴۰	حکومت عباسیان .....
۴۸	بررسی نقش امام صادق(ع) .....
۵۳	ریشه یابی تقابل عباسیان با علویان .....
۵۷	امام کاظم(ع) در مصاف با عباسیان .....
۶۱	خاندان های ایرانی در دستگاه خلافت عباسیان .....
۶۱	الف : برمکیان .....
۶۹	ب : سهلان .....
	<b>فصل دوم : زندگانی تاریخی امام رضا (ع)</b>
۷۹	نسب و القاب امام (ع) .....
۷۹	ولادت و شهادت .....
۸۱	مادر امام (ع) .....
۸۳	همسران امام (ع) .....
۸۳	لقب "رضا" .....
۸۴	فرزندان امام (ع) .....
۸۵	امام (ع) در روزگار پدر .....
۸۶	نصوص و دلایل امامت .....
۸۹	وصیت امام موسی بن جعفر(ع) .....
۹۲	وکالت .....
۹۳	شخصیت و صفات امام (ع): .....
۹۵	الف : علم و دانش .....
۹۹	ب: روش اخلاقی امام (ع) در رفتار با مردم .....
۱۰۱	ج : زهد و پرهیزگاری .....

۱۰۳	د : دعا و عبادت
۱۰۹	هـ : جود و احسان
۱۱۳	و : صبر و شکیبایی
۱۱۴	ز : بردباری و گذشت
۱۱۴	ح : تربیت
۱۱۶	ط : خانواده
۱۱۷	ی : پیش گوئی
۱۲۰	ک : عرضه اعمال شیعیان بر امامان (ع)
۱۲۱	ل : عدم همکاری با حکومت
۱۲۱	واقفیه
۱۲۹	امام (ع) پس از شهادت پدر در دوران خلفا :
۱۲۹	الف : هارون
۱۳۲	ب : امین
۱۳۷	ج : مأمون
۱۴۵	شورش ها
۱۵۲	تصمیم مأمون در گزینش امام (ع) به ولایت عهدی
۱۵۵	هجرت امام رضا (ع)
۱۵۶	منازل مدینه تا مرو
۱۵۶	الف : نیاز
۱۵۷	ب : بصره
۱۶۰	ج : اهواز
۱۶۳	د : ارجان (بهبهان)
۱۶۴	هـ : اصطخر
۱۶۴	و : ابرقوه
۱۶۴	ز : یزد
۱۶۶	ح : خرائق (مشهدک)
۱۶۶	ط : خراسان
۱۶۷	ی : نیشابور
۱۶۹	حدیث سلسله الذهب
۱۷۲	ک : طوس
۱۷۴	ل : سرخس
۱۷۶	م : مرو
۱۷۶	ورود امام به مرو
۱۷۷	مسأله ولایت عهدی
۱۸۰	پیشنهاد خلافت
۱۸۲	پیشنهاد ولایت عهدی
۱۸۵	اهداف مأمون از این پیشنهاد
۱۹۲	دلایل امام (ع) برای پذیرش ولایت عهدی
۲۰۲	مجلس ولایت عهدی
۲۰۶	متن عهدنامه

۲۱۰	..... سند ولایت عهدی
۲۱۴	..... سرایش اشعار
۲۲۹	..... دعای باران
۲۲۹	..... نماز عید
۲۳۲	..... ناراضیان شیعه
۲۳۵	..... مخالفان ولایت عهدی
۲۳۵	..... حرکت به سمت بغداد
۲۴۴	..... قتل فضل بن سهل
۲۴۹	..... شهادت امام رضا(ع)
۲۶۶	..... پیش گویی امام (ع) و اجداد طاهرینش از شهادت :
۲۶۶	..... الف : اخبار شهادت از زبان رسول اکرم و ائمه (ع)
۲۶۸	..... ب : اخبار شهادت از زبان امام رضا (ع)
۲۶۹	..... آرامگاه امام (ع)
۲۷۲	..... پاداش زیارت حضرت رضا (ع)
۲۷۵	..... کیفیت زیارت
۲۷۵	..... کرامات درگاه امام (ع)
۲۸۵	..... تشیع در ایران (بویزه خراسان)
۲۸۶	..... پیدایش و تکوین مذهب شیعه
۳۰۴	..... اصحاب و راویان احادیث امام رضا (ع)
۳۵۶	..... تشرف امرا به آستان بوسی امام (ع)
	<b>فصل سوم : زندگانی معرفتی و فکری امام رضا (ع)</b>
۳۶۳	..... مقدمه
۳۶۴	..... تألیفات امام (ع) :
۳۶۴	..... الف : رساله ذهبیه در طب
۳۶۷	..... ب : سایر تألیفات
۳۶۸	..... مناظرات در جامعه اسلامی
۳۷۴	..... مناظرات امام (ع) :
۳۷۶	..... الف : مناظره با جاثلیق مسیحی
۳۸۱	..... ب : مناظره با رأس الجالوت یهودی
۳۸۳	..... ج : مناظره با بزرگ هیربدان زرتشتی
۳۸۴	..... د : مناظره با عمران صابی
۳۹۲	..... هـ : مناظره با سلیمان مروزی
۴۰۱	..... و : مناظره با علی بن محمد بن جهم
۴۰۵	..... ز : مناظرات امام (ع) با مأمون :
۴۰۵	..... (۱) در باب عصمت انبیاء (ع)
۴۰۹	..... (۲) در باب اهل بیت (ع)
۴۱۷	..... علل پیدایش مباحث کلامی در جامعه اسلامی
۴۲۱	..... امام (ع) و مباحث کلامی :
۴۲۳	..... الف : توحید :
۴۲۵	..... سی و یک حدیث از امام (ع) در باب توحید

۴۴۹	خطبه توحید امام (ع) .....
۴۵۳	ب: امامت: .....
۴۵۸	(۱) وصف امام (ع) از امامت و جایگاه امام .....
۴۶۴	(۲) خلافت ائمه از دیدگاه امام (ع) .....
۴۷۱	(۳) پانزده حدیث از امام (ع) در باب امامت .....
۴۷۹	(۴) غُلات از دیدگاه امام (ع) .....
۴۸۳	بحثی در باب ضرورت پرسشگری .....
۴۸۹	امام (ع) و قرآن .....
۴۸۹	الف: رسالت تبیین قرآن: .....
۴۹۰	(۱) روایات امام (ع) در باب اهمیت قرآن .....
۴۹۱	(۲) روایات امام در باب علوم قرآن .....
۴۹۲	(۳) تنزیه پیامبران و تبیین متشابهات قصص انبیاء .....
۴۹۲	(۴) رفع شبهات مردم از آیات قرآن .....
۴۹۳	(۵) تعیین مصداق و تطبیق آیه .....
۴۹۵	(۶) استناد به قرآن .....
۴۹۵	(۷) تفسیر قرآن به قرآن .....
۴۹۶	(۸) تبیین احکام در پرتو قرآن .....
۴۹۶	ب: تفسیر امام (ع) از چند آیه .....
۵۰۵	فقه و احکام .....
۵۱۹	امام (ع) و شاخص های اجتماعی و اقتصادی .....
۵۱۹	الف: مالکیت و حدود آن .....
۵۲۰	ب: مصرف و شکر نعمت .....
۵۲۱	ج: حرمت مال و رشد و حفظ آن .....
۵۲۲	د: تأمین سطح زندگی .....
۵۲۴	هـ: فقر، علل و مبارزه با آن .....
۵۲۵	و: یتیم نوازی و نکوهش تعرض به مال یتیم .....
۵۲۷	ز: عدم وجوب زکات بر مال یتیم .....
۵۲۷	ح: تعاون و مددکاری اجتماعی .....
۵۲۷	ط: عزت نفس .....
۵۲۷	ی: اخوت اسلامی .....
۵۲۸	جهان بینی .....
۵۲۸	الف: عقل .....
۵۳۰	ب: معرفت .....
۵۳۰	ج: تفکر .....
۵۳۱	د: ایمان .....
۵۳۳	هـ: توکل .....
۵۳۵	و: ذکر و عبادت .....
۵۳۷	ز: شکر گزاری .....
۵۳۸	ح: گناه .....
۵۳۹	اخلاق .....

۵۴۰	الف: خطبه ی امام (ع) در باب مسائل اخلاقی
۵۴۱	ب: عهد و پیمان
۵۴۲	ج: صلّه رحم
۵۴۳	د: صبر و شکیبایی
۵۴۴	هـ: تواضع
۵۴۴	و: قناعت
۵۴۵	ز: سکوت
۵۴۶	ح: عجب
۵۴۶	ط: محاسبه نفس
۵۴۷	ی: بغل
۵۴۷	ک: مواظب و ارشادات امام (ع)
۵۵۰	ل: سفارشات امام (ع) به شیعیانش
۵۵۱	م: کلمات قصار امام (ع) در باب اخلاق و تربیت اسلامی
۵۵۶	سوالات مختلف از محضر امام (ع)
۵۶۳	امام (ع) و عزاداری بر امام حسین (ع)
۵۶۶	عظمت شأن امام (ع) در گفتار دانشمندان
	<b>فصل چهارم: امام رضا (ع) در آینه ی ادب</b>
۵۷۵	اشعار منسوب به امام (ع)
۵۷۵	الف: کتمان سر
۵۷۶	ب: خبر از محل قبر خویش و ظهور قائم آل محمد (عج)
۵۷۶	ج: دنیا همچون سایه ای ناپایدار
۵۷۷	د: جذب دشمن
۵۷۷	هـ: بردباری و شناختن حق دیگران
۵۷۸	و: ناگهانی بودن مرگ
۵۷۹	ز: همراهی با پیروی
۵۸۰	ح: سکوت
۵۸۱	ط: تحمل آزار و اذیت برادر
۵۸۱	ی: گنه کار واقعی
۵۸۱	ک: مواضع شایسته در برابر فقر و غنی
۵۸۲	ل: خواص هندوانه
۵۸۳	م: درخواست حسن عاقبت از خدا
۵۸۳	ن: تقدم نوه ی دختری بر عمو در ارث
۵۸۴	س: عیب از ماست نه از زمانه
۵۸۵	ع: فطرت آدمیان
۵۸۵	ف: فاش شدن دشمنی ها
۵۸۶	اندرزهای اخلاقی و اجتماعی
۵۹۴	اشعار شاعران عرب در مدح و رثای امام (ع):
۵۹۴	سید حمیری
۵۹۷	اشجع بن عمرو سلمی
۶۰۰	ابونواس

۶۰۳	.....	ابراهیم بن عباس صولی
۶۰۴	.....	دعبل خزاعی
۶۱۲	.....	عبدالله بن ایوب جزینی
۶۱۳	.....	ابن مُشَیخ مدنی
۶۱۴	.....	علی بن ابی عبدالله خوافی
۶۱۵	.....	محمد بن حبیب الضبّی
۶۲۳	.....	ابن حجاج
۶۲۴	.....	ابن حماد
۶۲۵	.....	صاحب بن عباد
۶۳۰	.....	ابن مکی نیلی
۶۳۱	.....	شمس الدین محفوظ
۶۳۲	.....	اربلی
۶۳۶	.....	شیخ بهایی
۶۳۸	.....	اشعار شاعران پارسی گوی در مدح و رثای امام (ع):
۶۴۰	.....	سنایی غزنوی
۶۴۳	.....	ابن یمین فریومدی
۶۴۶	.....	ابن حسام خوسفی
۶۴۹	.....	جامی
۶۵۰	.....	بابافغانی شیرازی
۶۵۳	.....	فضولی بغدادی
۶۵۸	.....	وحشی بافقی
۶۶۰	.....	محتشم کاشانی
۶۶۵	.....	نظیری نیشابوری
۶۶۹	.....	حزین لاهیجی
۶۷۱	.....	صباحی بیدگلی
۶۷۴	.....	فتحعلی خان صبا
۶۷۶	.....	وصال شیرازی
۶۸۰	.....	قآنی
۶۸۵	.....	سروش اصفهانی
۶۸۸	.....	همای شیرازی
۶۹۰	.....	فواد کرمانی
۶۹۵	.....	ذوقی اصفهانی
۶۹۷	.....	کمپانی
۷۰۰	.....	ملک الشعراى بهار
۷۰۲	.....	حکیم الهی قمشه ای
۷۰۴	.....	صابر همدانی
۷۰۵	.....	صفیر اصفهانی
۷۰۶	.....	بدیع الزمان فروزانفر
۷۰۸	.....	قاسم رسا
۷۱۱	.....	احمد ناظرزاده کرمانی



۷۱۳	.....	امیری فیروز کوهی
۷۱۴	.....	ریاضی یزدی
۷۱۵	.....	ذبیح الله صاحبکاری
۷۱۶	.....	نصرالله مردانی
۷۱۷	.....	سید علی موسوی گرمارودی
۷۲۲	.....	قیصر امین پور
۷۲۳	.....	فهرست منابع و مآخذ
۷۳۹	.....	نمایه ها
۸۱۹	.....	نقشه ها

www.ketab.ir

## مقدمه استاد

بسم الله الرحمن الرحيم

بانوی با فضل و فضیلت سرکار خانم مرضیه محمدزاده که خدایش به سلامت دارد و توفیق بیشتر به او ارزانی فرماید به حسن ظن و بزرگ منشی خود از این بنده خواسته‌اند تا مقدمه بی کوتاه‌ترین اثر بسیار ارزنده ایشان بنویسم، با سپاس از لطف ایشان و باتوجه به اهمیت موضوع و ارزش بالای این کتاب، خوانندگان را به چند نکته توجه می‌دهم.

۱- گروهی از یاران و سپاهیان حضرت امیر المؤمنین علی علیه السلام که می‌پنداشتند منصب امامت را علی علیه السلام می‌تواند به کسی که بخواهد تفویض فرماید درباره محمد بن حنفیه نظر داشتند که شایستگی امامت را داراست و می‌توان نمونه‌های این موضوع را در منابع اسلامی به روشنی دید و برای نمونه به شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید ذیل خطبه یازدهم مراجعه شود، حضرت امیر(ع) هم همواره کوشش داشتند که این اندیشه را از سر آنان بیرون آورند و می‌فرمودند ستاره کجا و خورشید و ماه کجا؟! و در وصیت خود به محمد بن حنفیه چنین فرمود: پسر عزیزم! ترا سفارش می‌کنم به احترام نهادن به دو برادرت و به اجرای فرمان ایشان و هیچ کاری را بدون تصویب آن دو انجام مده. مشروح این وصیت را در صفحات ۷۰-۷۳ کتاب *مقتل امیر المؤمنین علی علیه السلام* تألیف ابن‌ابی‌الدنیا چاپ ۱۳۷۹ هـ. ش ملاحظه فرمایید، و متأسفانه پس از واقعه جان سوز کربلا گروهی از بازی‌گران سیاسی جناب محمدبن حنفیه را به پیشوایی برگزیدند و او را مهدی امت پنداشتند و انشعاب کیسانیه در گروه منسجم شیعه پدید آمد که تفصیل آن را در عموم آثار مدون سده سوم و به عنوان مثال در *اخبار الطوال و تاریخ طبری* و کتابهای ملل و نحل می‌توان بررسی کرد و به هر حال امامت حضرت سجاد و دیگر ائمه شیعه مورد قبول کیسانیه نیست.

۲- با قیام جناب زید پسر حضرت سجاد و ظهور و انسجام زیدیه که تا امروز در یمن پایرجای هستند، امامت حضرت باقر و ائمه پس از ایشان مورد پذیرش زیدیه نبود و فرزندان جناب زید خود را برای امامت از همگان سزاوارتر می‌دانستند و گاه‌گاه بی‌مهری‌های آنان نسبت به حضرت باقر و حضرت صادق همراه با

زیرکی‌های عوام فریبانه دیده می‌شود. برای نمونه مراجعه شود به مقدمه *صحیفه سجادیه* و شرح خطبه قاصعه به ویژه صفحه ۲۰۰ جلد سیزدهم *شرح نهج البلاغه* ابن ابی الحدید به کوشش محمد ابوالفضل ابراهیم.

۳- بروز مسأله اسماعیلیه انشعاب دیگری بود که در این مختصر جای بررسی آن نیست و فرایند آن نپذیرفتن امامت حضرت موسی بن جعفر و امامان پس از ایشان بود و می‌بینیم که این موضوع در بخشهایی از ایران و افغانستان و شبه جزیره هند هنوز هم پایدار است و سر انجام مسأله ظهور واقفیه که امامت را به حضرت موسی بن جعفر علیه‌السلام پایان یافته می‌دانند.

این‌ها نمونه‌های گوناگونی است که اثبات امامت حضرت علی بن موسی الرضا علیه‌السلام را پیچیده و مشکل می‌نماید، و فزون براین، فرقه‌ها گروه‌های دیگری هم همچون ناووسییه و موسوییه بر دشواری این موضوع می‌افزودند که برای آگهی بیشتر باید به کتابهایی مانند *فرق الشیعیه نوبختی و ملل و نحل* شهرستانی مراجعه کرد. از سوی دیگر مسأله شعوبیه را نباید از نظر انداخت که به هر حال به ستیز میان گروه‌های ایرانی و اعراب دامن می‌زد.

۴- قیام‌های سیاسی و آشفتگی اوضاع اجتماعی در دهه‌های پایانی سده دوم هجری که برای براندازی حکومت عباسی صورت گرفت و سرانجام منجر به مرگ مشکوک هارون عباسی در خراسان و درگیری سخت نظامی میان امین و مأمون و بروز مسائل تازه در مکه و مدینه و عراق و قیام‌های علویان و برخی از سادات حسنی همچون ابن طباطبای و دامن زدن به اختلاف میان سادات حسنی و حسینی و تعویض پرده کعبه و تغییر رنگ آن از سیاه به زرد طلایی و در این میان اجبار عزیمت حضرت رضا علیه‌السلام در نهایت ناخشنودی آن بزرگوار به خراسان بزرگ که به نوشته ابوالفضل بیهقی در تاریخ خود "رضا را سخت کراهیت آمد که دانست آن کار پیش نرود اما هم تن در داد، از آن که از حکم مأمون چاره نداشت." صفحه ۱۵۷، چاپ دانشگاه فردوسی، مشهد ۱۳۸۳.

همه و همه در خور بررسی و مطالعه است، و کار به آن جا کشید که می‌گفتند لقب رضا که برآن حضرت غلبه کرده است، بر گرفته از شعار "الرضا من آل محمد" است یعنی شعار خراسانیان بر ضد امویان که عباسیان هم از آن برای رسیدن به اهداف خود کمال استفاده را بردند، و بزرگان علمای شیعه دوازده امامی در زدودن این شبهه بسیار کوشش کردند و شاعر نامور و بسیار عالم سده نهم هجری عبدالرحمان جامی که شیعه هم نبوده است چنین سروده است:

علی بن موسی الرضا کز خدایش  
رضا شد لقب چون رضا بودش آیین

با توجه به این اشاره‌های اندک، به خوبی متوجه می‌شویم که چرا شیخ صدوق رضوان الله تعالی علیه با آن دقت و امانت کتاب ارزشمند *عیون اخبار الرضا* را فراهم آورده و نکته‌های پیچیده فراوانی را بررسی کرده و روشن ساخته است تا آن جا که این بنده می‌داند درباره هیچ یک از امامان معصوم و بزرگوار شیعیان

تا روزگار صدوق یعنی نیمه دوم سده چهارم کتابی به اهمیت کمی و کیفی عیون اخبار الرضا تألیف نشده است و به راستی که این کتاب در ردیف کتابهای *من لایحضره الفقیه* و کتاب *التوحید* اوست و درباره اثبات امامت و علو منزلت حضرت علی بن موسی الرضا صلوات الله علیه این چنین کتابی تألیف نشده است و در واقع اثبات امامت بقیه امامان علیهم السلام هم با تألیف کتابهای *عیون و کمال السدین* صدوق صورت گرفته است.

ترجمه‌های کتابهای *عیون اخبار الرضا و کمال الدین* و مانند آنها در عین حال که برای فارسی زبانان لازم و سودمند است بدیهی است که کافی نیست آن هم در این روزگار دشوار که چون به جامعه می‌نگری باید به خدا پناه ببری و به گفته شیخ بزرگوار بهایی:

زلف و کاکل او را چون به یاد می‌آرم می‌نهم پریشانی بر سر پریشانی\*

(دیوان، کلیات کتاب فروشی محمودی تهرانی، صفحه ۷۵)

با در نظر گرفتن این‌ها که گفته شد، ارزش همت والا و کوشش زیبا و جان‌گناه بانوی گرامی سرکار خانم مرضیه محمدزاده روشن می‌شود و به راستی می‌توان گفت:

\*مریزاد دستی که مر مخلصان را دواى دل و راحت جان رساند\*

مراجعه و بررسی دویست و نود و چند منبع چاپی و توجه به بیش از ده مقاله که در این موضوع فراهم آمده است، کاری است که جز با عشق به ساحت مقدس رضوی آسان نخواهد بود و خوشبختانه به آثار بسیار کهن سده‌های دوم و سوم همچون آثار ابن قتیبه و ابوحنیفه دینوری و آثار نو و تازه همچون *عصر المأمون* رفاعی و به مدایح و مراثی بسیار کهن مانند سروده‌های سید حمیری و دعبل خزاعی و ابو نواس و محمد بن حبیب ضبی و صاحب بن عباد و دیگران تا روزگار حاضر توجه فرموده است و از هر بوستان دسته گلی فراهم آورده است. ارزش سخنان گهربار و مکارم اخلاق و کرامات و آموزه‌های سرچشمه گرفته از مکتب وحی در این مجموعه در حد امکان و به دور از اطناب ملال انگیز و ایجاز نارسا همه و همه در خور ستودن است و آرزومندم همچنان که کارهای ارزنده دیگر این مؤلف محترم مورد توجه و استفاده اهل تحقیق قرار گرفته است این تألیف هم شکوفا شود و امیدوارم پاداش آن جهانی و وصول به عنایات الهی برای مؤلف گرامی به پای مردی حضرت امام علی بن موسی الرضا فرا روی ایشان فراهم شود به ویژه که حضرت رضاع) معروف به رأفت و مشهور به رئوف و غوث امت و غیاث اوست.

- از سرکار خانم محمدزاده استدعا دارم در مظان استجاب دعا از طلب عاقبت بخیری و حسن خاتمت کار برای این بنده فراموش نفرماید و این بنده هم بر خود لازم می‌دانم که به خواست حضرت حق او را از دعای خیر فراموش نکنم، کانون زندگیش گرمتر و فروغ دیدگانش به وجود همسر گران قدر و فرزندان برومندش افزون‌تر و پاداش آن جهانی او از پادشاهای زود گذر این جهانی بیش باد. خوش می‌دارم این مقدمه را با دو بیت از سروده‌های برادر و استاد بزرگوارم حضرت آقای دکتر احمد

مهدوی دامغانی دامت افاضاته که زبان حال این بنده و افراد خانواده است بیارایم:

هر کو مرا شناخته دانسته است      کز بندگان شاه خراسانم  
تشریف بندگی نه سزاوار است      بر من که خاک توده ایوانم

و آخر دعوینا ان الحمد لله رب العالمین

محمود مهدوی دامغانی - مشهد مقدس رضوی

هفتم مرداد ۱۳۸۴

## مقدمه نویسنده

امامان شیعه در شرایط مختلف سیاسی و اجتماعی به گونه‌های متفاوت انجام وظیفه می‌کردند. در مجموع زندگی امامان شیعه (ع) یک حرکت مستمر طولانی دیده می‌شود که از سال یازده هجری شروع می‌شود و به سال دویست و شصت هجری که آغاز غیبت صغری امام دوازدهم است خاتمه می‌یابد. در طول این مدت تلاش ائمه‌ی شیعه حفظ فرهنگ تشیع بود. در واقع ائمه‌ی شیعه پس از امام حسن و امام حسین علیهماالسلام در پرده‌ی تقیه به حفظ موجودیت خود ادامه داده، فرهنگ شیعه را از لحاظ کیفی پرورش دادند. به دنبال آن شیعه از نظر کمی نیز گسترش یافت، چنان‌که مناطق مختلفی از ایران در آن دوره، شیعه نشین بودند.

اگر در زندگی امامان (ع) کار فرهنگی و علمی و تدریس و تربیت شاگردان و تشکیل محافل علمی برای خواص، بیش از اقدام‌های پر سرو صدای سیاسی به چشم می‌خورد، به خاطر این است که آنان می‌دانند هر حرکت مثبت یا منفی ریشه در باور و اعتقاد و نوع نگرش مردم دارد و برای اصلاح، عمل می‌بایست به اصلاح اندیشه آنان همت گماشت.

کار سیاسی و مبارزه‌ی علنی و رویاروی با حکام برای امامان (ع) یک هدف نبوده است، بلکه هدف اصلی آنان احیای اندیشه‌ها و اصلاح جوامع و حاکمیت بخشیدن به دین الهی بوده است و بدیهی است که هدایت اندیشه‌ها و تصحیح افکار و باورها را مقدم بر هر نهضت و قیام علنی و غیر علنی می‌دانسته‌اند.

یکی از اصول مشترک اعتقادی و سیاسی در مکتب اهل بیت (ع) پیوستگی پیشوایی دینی و رهبری سیاسی است. اهل بیت (ع) از یک سو خود را آگاهترین مردم به معارف دین می‌دانسته‌اند و برای اثبات این واقعیت همواره مردم را به پرسش فرا می‌خوانده‌اند و از سوی دیگر معتقد بوده‌اند که رهبری سیاسی و اجتماعی جامعه‌ی اسلامی حق آنان است که در علم و دین برتر از همگانند. در بینش امام رضا (ع) امام شایسته و توانمند، تنها عهده‌دار بیان احکام و تبیین حلال و حرام مردم نیست، بلکه امامت دینی هر گاه به حق باشد بر جریان سیاسی و اجتماعی جامعه اسلامی نیز نظارت و رهبری دارد. در نگاه اهل بیت (ع) دین

در صورتی کامل به شمار می‌آید که برای رهبری اجتماعی، تدبیری اندیشیده باشد و مردم را در تعیین رهبری دینی و سیاسی، سر خود و سرگردان رها نساخته باشد.

هم چنین کفر ستیزی و مبارزه با ستمگران از بارزترین مشخصات زندگی امامان(ع) است و هیچ یک از ایشان در این دو میدان، سست نیامده‌اند. امامان شیعه به دلایل قرآنی و روایی و عقلی اثبات کرده‌اند که رهبری جامعه‌ی ایمانی نباید در اختیار ظالمان و مفسدان قرار گیرد و هر گاه ظالمی فساد انگیز، بر مؤمنان سلطه یافت، اطاعت او واجب نیست؛ بلکه در حد امکان باید با ظلم و فساد او مبارزه کرد.

در زندگی امامان دو گونه مبارزه با مستکبران و غاصبان حکومت اسلامی دیده می‌شود: الف: مبارزه فرهنگی - عقیدتی ب: مبارزه‌ی رویاروی و مسلحانه.

مبارزه‌ی فرهنگی حرکت عام و گسترده امامان بوده است یعنی همه‌ی آنان در گفتار و عمل برای پیروان خود روشن می‌ساخته‌اند که نباید با حاکمان نالایق و ناشایست همکاری داشته و نباید به حکومت ظالمانه رضایت بدهند.

مبارزه‌ی مسلحانه و رویاروی تنها برای سه تن از امامان بزرگوار (علی(ع)، حسن(ع) و حسین(ع)) رخ داده است. امام رضا(ع) در کار فرهنگی علیه حاکمیت ناصح عباسیان تا آن جا پیش می‌رود که یکی از راویان حدیث به نام حسن انباری می‌نویسد: مدت چهارده سال پیوسته به امام نامه می‌نوشتیم و برای عهده دار شدن بعضی مشاغل دولتی اجازه می‌خواستیم، ولی آن گرامی همواره مرا از همکاری با حکومت غاصب عباسیان نهی می‌کرد.

پس از شهادت امام موسی کاظم(ع) اگر چه برای امام رضا(ع) موقعیت مبارزه‌ی علنی و رسمی پیش نیامد، اما برای مدتی اختناق و خود کامگی به طور نسبی از میان رفت و فشار حکومت علیه امام(ع) کاستی یافت. امام(ع) نیز شیوه‌ی مبارزه‌ی پدر بزرگوارش را در پیش گرفت و به ایفای صحیح رسالت امامت پرداخت. دستگاه خلافت هارونی نیز چون موجودیت عباسیان را در خطر می‌دید، شیوه‌ی گذشته‌ی خود را تغییر داد و روش سختی را که نسبت به امام موسی کاظم(ع) اتخاذ کرده بود به صلاح حکومتش نمی‌دید. حتی هارون در جواب کسانی که درباره‌ی امام رضا(ع) بدگویی می‌کردند، گفت: آیا آنچه با پدرش کردیم کافی نیست؟ می‌خواهید یکباره شمشیر بردارم و همه‌ی علویان را بکشم؟<sup>۱</sup> در چنین شرایطی امام(ع) توانست فعالیت‌های شیعی و تلاش‌های عقیدتی را در نهان رهبری کند.

این دوران از مهم ترین دوران های تاریخ اسلام است. این که گروهی حوادث روزگار امامت امام رضا(ع) را با نرمش قهرمانانه‌ی امام حسن(ع) و دسته‌ای آن را با موقعیت امام سجاد(ع) و گروهی نیز با انقلاب فکری و فرهنگی صادقین مقایسه و شبیه می‌دانند نشان دهنده‌ی اهمیت خاص و چند بعدی وضعیت این مقطع تاریخی است.

با فعلیت یافتن ولایت عهدی امین، نزاع دو برادر بر سر حکومت بالا گرفت و بسیاری از امور به دلیل تسامح امین و مناقشات داخلی مختل شد. نبرد فرهنگی و فکری جدی با وسعتی بیش‌تر در میان مکتب‌های گوناگون درگرفت و دانشمندان با عناوین مختلفی به مراکز قدرت نزدیک شدند و به نشر تفرقه و بی‌اعتقادی در میان مسلمین پرداختند. در چنین گسیختگی فرهنگی است که وظیفه‌ی سنگین امام رضا(ع) آشکار می‌شود و در برابر این امواج سهمگین و خطرناک به دفاع از عقیده و فرهنگ جامعه‌ی اسلامی بر خاسته و با رهبری حکیمانه جریان‌های فکری جامعه را از خطر التقاط و انحراف آگاه ساخت.

در همان زمانی که سربریده‌ی امین در بارگاه مأمون بر دار بود و مروّ در نگرانی از شورش‌های پیاپی علویان با کارگزاران حکومت به سر می‌برد، مأمون که بیش از همه به خلافت می‌اندیشید و با تمام توان موانع و مشکلات حکومت خود و حاکمیت عباسیان را یکی پس از دیگری بر طرف می‌ساخت، برای این که از مردم کسب اعتماد نماید با دوری جستن از خشونت در جهت تألیف دلها گام برداشت و بدین وسیله پایه‌های قدرت و حکومت خود را مستحکم ساخت و برای حل مشکلات و رفع موانع موجود این سیاست را مبنای عمل خود قرارداد و امام رضا(ع) را از مدینه به خراسان خواند.

اگر چه این سفر در شرایطی خاص و تحت فشار دستگاه خلافت انجام گرفت، اما امام(ع) تنها آمد تا اعلام کند آمدنش هجرت است نه سیر و سیاحت. این هجرت ناخواسته را از سرزمین نیاکانش و از جوار حرم جدش رسول خدا(ص) آغاز کرد تا مگر اجر رسالت را که حجازیان و شامیان و عراقیان نشناختند به مردمان خراسان بشناساند. این هجرت اگر چه ناخواسته و به اجبار صورت پذیرفت، اما تقدیر الهی آن بود که امام(ع) در سایه‌ی تدابیر سیاسی عباسیان و حمایت‌های ظاهری و فربکارانه‌ی آنان فرصتی به دست آورد و بذریع تشیع را در ایران به ودیعت بسپرد. امام(ع) با این هجرت تاریخ‌ساز خود پایه‌های تشیع را محکم نمود. و با این حرکت خود دنیای اسلام را با علویان آشنا ساخت. حضور او به عنوان با ارزش‌ترین یادگار پیامبر(ص) ذهن مردم را به سوی این خاندان جلب کرد.

اینک اعلم و احق هاشمیان به ولایت می‌رسید. نبض جامعه‌ی آن روز برای امام(ع) می‌طپید و مأمون نیز که یک خلیفه‌ی فوق‌العاده سیاسی کار بود و کارهایش را براساس تدبیر و مصلحت و در نظر گرفتن نیازهای زمان تنظیم می‌کرد، اکنون در مرحله‌ای از خلافت قرار داشت که فقط اسمی از آن به جا مانده بود به طوری که بغداد کاملاً از دستش خارج شده، بصره، کوفه و حجاز هم همینطور و برای او فقط خراسان مانده بود، پس باید با ترفندی خاص ایرانیان را به سوی خود جلب کند. مأمون با دعوت امام(ع) به خراسان توانست جبهه‌ی حجاز را شکست دهد.

مأمون خود را معتقد به علویان نشان می‌داد، در پاره‌ای از روایات در مورد چهره‌ی موجه دینی او اغراق و مبالغه راه یافته است. اما گرایش مذهبی مأمون درست مانند گرایش سیاسی او بود. او همان گونه که در سیاست می‌خواست احزاب مختلف سیاسی حتی علویان و عباسیان را گرد خود جمع کند، در گرایش



مذهبی خود نیز حد وسطی را برگزید. یعنی همان گونه که از جنبه ی سیاسی، اعتدال و میانه روی را در پیش گرفته بود از جنبه مذهبی نیز همین روش را دنبال می کرد.

الرفاعی می نویسد: "چه بسا رجال سیاسی، برای جلب توجه عامه و پیشبرد اهداف سیاسی و حکومتی خود به دین گرایش پیدا می کنند، ولی بعد از رسیدن به مقاصد خود، دین را به دینداران وا می گذارند. ممکن است مأمون هم از همین روش استفاده کرده باشد و این نظریه در مورد مذهب مأمون قابل تأمل است."<sup>۱</sup>

او به هیچ دین و مسلکی پای بند حقیقی نبود و همه ی دفاعش بر محور منافع سیاسی می چرخید و دینداری وی نوعی دیانت سیاسی بود.

اما امام (ع) نیز با حرکت خود در رسوا کردن چهره ی مأمون بسیار مؤثر بود. امام (ع) فرمود: "در صورتی ولایت عهدی را می پذیرم که امر و نهی نکنم و فتوا ندهم و قضاوت ننمایم و عزل و نصب نکنم و آئینی را که هم اکنون در عصر خلافت تو رایج است، تغییر ندهم."<sup>۲</sup> تعیین شرایط ولایت عهدی از سوی امام (ع) و رفتار آن حضرت سبب شد مأمون در نقشه هایش ناکام بماند. امام (ع) با پذیرفتن ولایت عهدی، مصالح عامه ی مسلمانان و اسلام و شیعه را در نظر گرفت و از هر فرصتی برای بیان این حقیقت و نمایاندن ناخشنودی خود بهره می جست و حتی از فرصت مناجات های خود برای افشای واقعیت استفاده می کرد. البته افشاگری امام (ع) به دعا و مناجات محدود نبود. او در فرصت های گوناگون با بیان های مختلف به روشننگری می پرداخت.

براساس مبانی مستحکم و خرد پذیر شیعه، هر یک از امامان (ع) در این مقطع زمانی و اوضاع سیاسی - اجتماعی قرار می گرفتند جز آنچه امام رضا (ع) انجام داد، وظیفه ای نداشتند.

وجود و حضور امام (ع) در خراسان سبب شد تا شخصیت آن حضرت به عنوان امام شیعه برای مردم بیشتر شناخته شود. لذا هواداران شیعه هر روز بیشتر می شدند.

حیثیت علمی امام (ع) مهم ترین عامل در توسعه ی مذهب شیعه به حساب می آمد. به ویژه که مبانی فکری شیعه نیز در آن شرایط، مشخص شده بود و طبعاً مرجعیت علمی امام (ع) توسعه ی فکر شیعی را در برداشت. رجاء بن ابی ضحاک در مورد حوادث طول راه سفر امام از مدینه تا مرو نقل می کند که در هیچ شهری از شهرها فرود نمی آمدیم مگر آن که مردم به سراغ او می آمدند و از او در مورد مسائلشان استفتاء کرده، معالم دینی شان را می پرسیدند. او نیز احادیث زیادی از طریق پدراناش برای آنها نقل می کرد.

از ویژگی عصر امام رضا (ع) گسترش و رواج مباحثات میان ادیان و مذاهب است. موضوع مناظره در زندگی صادقین علیهم السلام نیز وجود داشته است، اما اوج این حرکت را می توانیم در زندگی علمی،

۱- ارشاد، ج ۲، ص ۶۰۱

۲- عصر المأمون، ج ۱، ص ۳۵۲

سیاسی و اجتماعی امام رضا(ع) شاهد باشیم.

اهمیت این موضوع از آن روست که گرایش جامعه اسلامی و محافل علمی - دینی به بحث گفت‌وگو نشان دهنده‌ی راهیابی مباحث مختلف فلسفی و کلامی به حوزه‌ی محافل اسلامی و هم چنین رشد روحیه‌ی کاوشگری در میان مسلمانان بوده است. استقبال اهل بیت(ع) از این محافل و مباحث دو نتیجه در برداشت:

۱- مهر تأیید بر تبادل اندیشه و بحث‌های آزاد.

۲- منطقی و استدلال پذیر بودن اندیشه و معارف اسلامی.

اهل بیت مبانی اعتقادی اسلام را دارای پایه‌های برهانی می‌دانسته، اعتقاد داشته‌اند که معارف این دین با عقل و علم قابل دفاع بوده و هست. آنان به حقانیت دین و واقع‌گرایی شریعت محمدی و علمی بودن آن اطمینان کامل داشتند و به همین دلیل پیروان خود را به تأمل و تدبّر و مناظره و مباحثه‌ی علمی دعوت می‌نمودند و آنان را از باورهای سطحی و اعتقادات بی‌اساس و عملکردهای بی‌منطق و هر گونه حرکت بدون علم پرهیز می‌دادند.

یکی از اقدام‌های مهم و قابل توجه حضرت(ع) در این زمینه بهره‌گیری از محافل فراوان مناظره است که میان دانشمندان بزرگ ادیان و مکاتب مختلف و ایشان در خطه‌ی خراسان شکل می‌گرفت. اساس این محافل را مأمون سازمان داد. انگیزه‌ی اصلی او در این امر مورد اختلاف مورخان است. ولی شواهد تاریخی سیاسی بودن حداقل برخی از آنها را کاملاً تأیید می‌کند و از آن جا که معمولاً مسائل سیاسی انگیزه‌ی واحد ندارند می‌توان سرگرم کردن مردم برای غافل ماندن از مسائل اصلی جامعه و نقاط ضعف حکومت، پایین آمدن مقام امام(ع) در نظر دانشمندان و مخصوصاً مردم ایران را بخشی از انگیزه‌های مأمون دانست.

این اندیشه که مناظره‌ها برای به زانو در آوردن امام(ع) و در سطحی وسیع تر، تهاجم فرهنگی علیه مکتب اهل بیت(ع) سامان داده شده بود، پذیرفته شده است. امام(ع) از این موقعیت، نیک بهره برد و محافل مناظره نتیجه‌ی معکوس داد. امام(ع) که از قصد مأمون آگاهی داشت، می‌فرمود: هنگامی که من با اهل تورات به توراتشان، با اهل انجیل به انجیل‌شان، با اهل زبور به کتابشان، با ستاره‌پرستان به شیوه‌ی عبرانی‌شان، با موبدان به شیوه‌ی پارسی‌شان، با رومیان به روش خودشان و با اهل بحث و گفت‌وگو به زبان‌های خودشان استدلال کرده همه را به تصدیق خود وادار کنم، مأمون در می‌یابد راه خطا را برگزیده است و بی‌تردید پشیمان خواهد شد.<sup>۱</sup>

وقتی که این محافل در از میان بردن ابهت و شخصیت امام(ع) ناکام ماند، مأمون به فکر حذف فیزیکی امام(ع) افتاد و حضرت را مسموم ساخت.

در زندگانی امام رضا(ع) دو ویژگی "غربت" و "زافت" چشمگیر است. او که یگانه‌ی عصر خویش در علم و

فضیلت و تقوا بود، در تنگنای حکومت حاکمان ناشایست و قدر ناشناسی مردم، طلوعی در پشت ابرها و غروبى زود هنگام و غمگنانه داشت.

امام رضا (ع) همچون جد بزرگوارش در اخلاق نمونه بود و در زندگی فردی و اجتماعی خلق والای پیامبر را حکایت می‌کرد. چنان که گفته‌اند:

يُمَثِّلُ النَّبِيَّ فِي أَخْلَاقِهِ      فَأَكْثَرُ الثَّابِتِ مِنْ أَعْرَاقِهِ

در اخلاق او، پیامبر (ص) جلوه گر می‌شود؛ چرا که او برخاسته از ریشه‌های نبوی است.

او هم چون نیاکان وارسته اش از مقام علمی والایی برخوردار بود، تا آن جا که وی را عالم آل محمد (ص) لقب داده‌اند و این به جهت مناظرات و مباحثات علمی و اعتقادی آن حضرت بود و از چنان اهمیت و امتیازی برخوردار بود که عالم خاندان رسالت شناخته شود.

امام (ع) نسبت به ادیان و مکاتب آگاهی کامل داشت و علاوه بر این که برای پرسش‌های مختلف عالمان ادیان و مکاتب پاسخی در خور داشت، بر مبنای اعتقادی شخص مخاطب سخن می‌گفت و استدلال می‌کرد و این مظهر توانمندی علمی امام بود. نتایج جلسات مایه شکوه و عظمت امام و توانمندی علمی و اعتقادی شیعه می‌شد. هم چنین امام (ع) به زبان‌های مختلف آشنایی کامل داشت و با زبان متداول و رسمی مخاطب با وی گفت و گو می‌کرد.

در زمینه‌ی تاریخ زندگی امامان شیعه و از جمله امام رضا علیهم السلام پژوهش‌های مختلفی در ادبیات شیعه صورت گرفته و کتب بی شماری نوشته شده، اما بسیاری از گفتنی‌ها هم چنان ناگفته مانده است.

اگر چه وقایع عصر امام رضا (ع) در منابع عام و معتبر تاریخی چون *تاریخ طبری*، *تاریخ یعقوبی*، *الأخبار الطوال* ابو حنیفه دینوری، *عیون الاخبار* و *معارف ابن قتیبه دینوری*، *مروج الذهب* مسعودی، *تجارب الامم* ابو علی مسکویه رازی، *المنتظم ابن الجوزی*، *الکامل فی التاریخ* ابن اثیر، *البدایه و النهایه* ابن کثیر و *العبر ابن خلدون* و ... مسطور است، اما *تاریخ بغداد* خطیب بغدادی، *امالی* شیخ صدوق، *الامامه و السیاسه* منسوب به ابن قتیبه دینوری، *مقاتل الطالبیین* ابوالفرج اصفهانی، *انساب الاشراف* بلاذری، آثار شیخ طوسی، *الفخری ابن طباطبا*، *اصول کافی* و ... از جمله منابع اصیل و کهن دست اولی است که نویسندگان اعم از شیعه و سنی گزارش داده اند. کتاب‌های خاصی نیز به شرح حال امامان علیهم السلام اختصاص یافته است.

کهن ترین اثر در این زمینه که به تفصیل به این بحث پرداخته است کتاب *ارشاد* شیخ مفید است که عمدتاً بحث‌های تاریخی و کلامی را در بر دارد و اگر چه منابع خود را ذکر نکرده است، اما از اسناد وی آشکار است که به کتب موجود در عراق که مورخان عراقی تألیف کرده‌اند، کاملاً آشنا بوده است.

کتاب *اعلام الوری* از ابو علی فضل بن حسن طبرسی (م ۵۴۸) نیز از لحاظ علمی کتابی مطمئن و دقیق است. این کتاب در بخش ائمه مطالب تاریخی - کلامی در اثبات امامت ائمه علیهم السلام دارد. مؤلف

با دقت مصادر خود را ثبت کرده و از این جهت بر ارزش کتاب خود افزوده است.

**المناقب آل ابی طالب (ع)** اثر جاودانه‌ی ابن شهر آشوب سروری مازندرانی اثر مهم و مفصل با بهره‌گیری از صدها کتاب تألیف شده است که مؤلف با یاد از اسامی آنها، کار با ارزشی انجام داده است.

کتاب **روضه الراعظین** از فتال نیشابوری (م ۵۰۸ هجری)، کتاب **مختصر احوال النبی و الائمة الاثنی عشر علیهم السلام** از شیخ راشد بن ابراهیم بن اسحاق بحرانی، کتاب **الانوار فی تاریخ الائمة الابرار** از ابوالحسن علی بن هبة الله بن عثمان بن احمد موصلی، کتاب **کشف الغمه فی معرفة الائمة** از علی بن عیسی اربلی که اثر معتدلی است و نقش مهمی در ترویج تشیع در عالم اسلام بر عهده داشته است. کتاب **الدر النظیم فی مناقب الائمة اللهمم**<sup>۱</sup> از شیخ یوسف حاتم شامی، شاگرد محقق حلی (م ۶۷۶ هجری) در شرح حال و فضائل امامان شیعه است. هم چنین کتب بی شمار کلامی - تاریخی، دلائل الامامه، حدیثی - تاریخی، رجالی - تاریخی، تواریخ محلی، آثار عربی و فارسی سنیان در مورد اهل بیت علیهم السلام، آثار فارسی امامی مذهب و آثار بی شماری درباره‌ی چهارده معصوم در منابع جدید وجود دارد.

اما درباره‌ی تاریخ زندگی امام رضا (ع) اثر جاودانه‌ی **عیون اخبار الرضا (ع)** از شیخ صدوق برجسته‌ترین اثر است. زندگی امام رضا (ع) و شیعه در این دوره کاملاً در این کتاب منعکس شده است.

در میان کتب جدید مهم ترین اثر کتاب **الحیة السیاسیة الامام الرضا (ع)** از استاد سید جعفر مرتضی عاملی است که تحت عنوان **زندگانی سیاسی امام رضا (ع)** توسط پرویز اتابکی به فارسی در آمده و خلاصه فارسی شده‌ی آن تحت عنوان **زندگی سیاسی هشتمین امام** توسط خلیل خلیلیان ترجمه شده است. **مجموعه‌ی مقالات کنگره‌ی جهانی امام رضا (ع)** در سه مجلد فارسی و سه مجلد عربی، حاوی تازه‌ترین پژوهش‌ها درباره‌ی آن امام (ع) است. کتاب **الامام الرضا** از محمد جواد فضل الله نیز اثر خوبی است.

کتاب **عصر المأمون** اثر گران سنگ احمد فرید الرفاعی است که در چپه‌های جدیدی در پیش روی خواننده باز می‌کند و عصر مأمون را مورد تجزیه و تحلیل قرار داده است.

در کتاب حاضر تمامی کتب قدیمی مورد استفاده قرار گرفته و علاوه بر آن از کتب نویسندگان جدید که به نوعی از امام علی بن موسی الرضا (ع) سخن گفته‌اند، بهره‌گیری شده است و سعی شده که زندگی آن حضرت را از تولد تا پس از شهادت مورد باز شناسی قرار دهد و در این رهگذر اوضاع سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و نظامی جامعه‌ی اسلامی را در این دوره تحلیل و ارزیابی نماید تا دانسته شود که پیامبر اسلام (ص) دین خود را متکی به چه ارزش‌هایی پایه گذاری نمود و چه مسائل و مصائبی بعد از رحلت نبی اکرم (ص) برای میراث آن حضرت یعنی دین و خاندانش ایجاد شد.

این کتاب در چهار فصل تقدیم خوانندگان می‌شود.

در فصل اول نگاهی گذرا به حکومت امویان از ظهور تا سقوط و سپس شکل گیری و تأسیس حکومت

عباسیان و مواجهه امامان معصوم با حکومت عباسیان ذکر شده است.

فصل دوم کتاب به بررسی زندگی امام رضا(ع) از بُعد تاریخی اختصاص دارد که زندگی آن امام همام را از تولد تا شهادت در بر می‌گیرد.

در فصل سوم زندگی امام هشتم شیعیان از منظر علمی مورد کنکاش قرار گرفته است و به بررسی جایگاه فکری و معرفتی عالم آل محمد در مواجهه با دوران پر آشوب رشد مباحث کلامی و مکاتب فلسفی و تقابل آن حضرت با این مکاتب پرداخته شده است.

فصل چهارم کتاب که 'امام رضا(ع) در آینه‌ی ادب' نامیده شده است، به اشعار منسوب به آن حضرت و نمونه‌ای از سروده‌های شاعران عرب زبان و پارسی گوی در مدح و رثای آن امام بزرگوار اختصاص دارد. در پایان لازم می‌دانم از استاد ارجمند، دین پژوه، مترجم و مورخ برجسته معاصر جناب آقای دکتر محمود مهدوی دامغانی که قبول زحمت فرمودند و با گشاده رویی و سعه صدر بنده را مرهون راهنمایی‌های مؤثر خویش قراردادده و مقدمه‌های محققانه و تاریخی بر این کتاب نگاشته‌اند تشکر و قدردانی می‌نمایم. به همسر عزیز و فداکارم که جز به یاری ایشان انجام این کار مقدور نبود، امتنان و سپاس خود را تقدیم می‌دارم.

از دوستانی که در حروفچینی و صفحه آرایی کتاب زحمت زیاد و گاهی شبانه روزی را متقبل شدند تا کتاب در کوتاه‌ترین زمان ممکن آماده چاپ گردد و حتی راضی نشدند نامی از آنها برده شود، تقدیر و تشکر می‌نمایم.

و بالاخره مراتب رضایت و امتنان خویش را از فرزندان عزیزم که هم در فراهم آوردن محیطی آرام و مناسب برای تحقیق و نگارش و هم در استخراج اعلام و نمایه کتاب مددکارم بودند، ابراز می‌دارم. امیدوارم اقدامات این عزیزان به احسن وجه مورد قبول حضرت احدیت قرار گیرد و از خوان بی‌دریغ کرم و احسان حضرت ثامن الحجج، امام علی بن موسی الرضا(ع) متنعم گردند. ان شاء الله

مرضیه محمدزاده

مرداد ۱۳۸۴ شمسی - رجب المرجب ۱۴۲۶ قمری